

شهرستان ها | ۳۳

فرماندار نهبندان:	غبارروبی نمادین مساجد بشرویه	محکومیت متهمان قاچاق کالا در نهبندان
دامداران پا به میدان دام جدید بگذارند	در آستانه فرارسیدن ماه مبارک رمضان طبق سنت هر ساله قرار است ۲۵ مسجد بشرویه به صورت نمادین با کمک جوانان و نوجوانان این شهرستان غبارروبی شود. رئیس اداره تبلیغات اسلامی بشرویه با اشاره به دهه تکریم و تعظیم مساجد گفت: دهه تکریم و تعظیم مساجد از ۱۵ تا ۲۴ فروردین است و تلاش می شود تا در این دهه ضمن غباررویی مساجد به یخت خانه تکانی دل نیز توجه شود. جحت الاسلام «رضا بهشتی فر» افزود: با توجه به نارنجی بودن وضعیت بشرویه و اعمال محدودیت های شدید کرونایی احتمال می رود که مراسم مذهبی در مساجد این شهرستان طی ماه مبارک رمضان به صورت محدود برگزار شود. او ادامه داد: در بشرویه ۱۲۰ مسجد وجود دارد که اکنون در ۲۵ مسجد این شهرستان نماز جماعت اقامه می شود.	دو متهم قاچاق کالا در نهبندان به پرداخت ۷۸۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم شدند. رئیس اداره تعزیرات حکومتی نهبندان گفت: مأموران بازرسی سهل آباد شهرستان از یک دستگاه خودروی سواری مقادیری کالای قاچاق شامل ۴۵ کیلو گرم پوشاک و ۳۶ جفت کفش مستعمل کشف کردند. «هادی میر عرب» افزود: پس از محرز شدن تخلف، افزون بر ضبط کالاها ی مشکوفا، متهمان در به شعبه به پرداخت ۱۸۰ میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم شدند و ۶۰۰ میلیون ریال بدل از ضبط خودروی حامل کالای قاچاق به جرمه نقدی آن ها اضافه شد.

از گوشه و کنار استان

نیاز ۱۸ میلیاردی پروژه های مدرسه سازی در میان

برای تکمیل و بهره برداری از پروژه های اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس در میان ۱۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان نیاز است. مدیر کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس در دیدار با فرماندار در میان خواستار مساعدت و مشارکت بیشتر خیران به ویژه افراد بومی و با تمکن شهرستان برای کمک به دیوار نیامندی های شهر این نوسازی مدارس در این شهرستان شد. «چاوشان» ادامه داد: برای احداث ۹۲ پروژه این اداره کل در شهرستان درمیان ۱۳ میلیارد و ۲۸۷ میلیون ریال هزینه شد. «بخشی» فرماندار در میان نیز برای جبران کمبود فضاهای آموزشی و نوسازی فضاهای این شهرستان گفت: برای بهره مندی هر چه سریع تر دانش آموزان از این فضاهای باکیفیت آموزشی و کمک به احداث آن ها این موضوع در کمیته برنامه ریزی شهرستان هم ویژه دیده شد. همچنین با توجه به تعیین بنیاد علوی به عنوان نهاد معین پیشرفت و آبادانی برای افزایش شاخص های بر خور داری در شهرستان باید از این ظرفیت مهم و تأثیر گذار نیز استفاده شود.

محدودیت ها در فردوس از سرگرفته شد

محدودیت های کرونایی در فردوس بعد از قرمز شدن این شهرستان از سر گرفته شد. فرماندار فردوس در جلسه ستاد کرونای شهرستان تصریح کرد: در قرمز شدن فردوس باید دستورالعمل ویژه شهرهای قرمز در شهرستان اجرا شود. «حاج مقدم» از همه مردم و مسافران محلی اجرائی خواست در خصوص رعایت کامل دستورالعمل های مربوط با ستاد کرونای شهرستان همکاری کنند تا شاهد کاهش و تغییر رنگ فردوس در آینده نزدیک باشیم. او از فعال شدن مجدد خطر شهید سلیمانی در این شهرستان خبر داد و افزود: در ماه رمضان مردم از افطاری دادن خودداری کنند تا حداقل در شب های قدر با کاهش تعداد مبتلایان بشود از فیوضه معنوی لبالی قدر در اماکن مذهبی آلوده دیدو

رئیس شبکه بهداشت و درمان فردوس نیز با اشاره به آمار پنج برابری مبتلایان نسبت به دهه هفتده پاییان سال گذشته، قرمز شدن شهرستان را نتیجه دیدو باز دیدهای عید نوروز و مسافرت فردوسی های غیر مقیم به این شهر دانست و تأکید کرد: همه اماکن ورزشی، مذهبی، نماز های جمعه و جماعات و برخی صنوف مشمول شهرهای قرمز تعطیل خواهد شد و با افرادی که دستورالعمل های مربوط را رعایت نکنند بر خورد جدی می شود. «احمد نگهبان» با بیان این که فقط در ایام تعطیلات نوروز ۴۰ مسافر کرونا مثبت داشتیم، افزود: با ابراز تاسف در یک مورد، عضو خانواده ای که کرونا مثبت بود همراه با دیگر اعضای خانواده به مسافرت رفت که این گونه رفتارها بسیار خطرناک و موجب افزایش مبتلایان می شود.

به گزارش «خراسان جنوبی» در این جلسه مقرر شد گشت های مشترک ستاد کرونا فعال تر از قبل وارد عمل شوند و با متخلفان با شدت برخورد د شود.

رقابت های جام رمضان

حسین قربانی – رقابت های جام رمضان بر اساس مصوبات ستاد کرونای هر شهرستان برگزار می شود. «قطبی» معاون توسعه امور ورزش اداره کل ورزش و جوانان استان در پاسخ به سوال خبرنگار ما در باره چگونگی برپایی مسابقات جام رمضان با توجه به شیوع کرونا گفت: مسابقات ورزشی جام رمضان در رشته های مختلف بر اساس مصوبات ستاد کرونای هر شهرستان و با رعایت دستورالعمل های بهداشتی باید برگزار شود.

لیگ فوتبال استان از خرداد

سوت رقابت های لیگ فوتبال استان از پایان بهار به صدا در می آید. مسئول کمیته مسابقات هیئت فوتبال استان به خبرنگار ما گفت: مسابقات لیگ فوتبال استان با حضور ۱۹ تیم در دو گروه ۱۰ تیمی و ۹ تیمی از هفتم خرداد شروع می شود. به گفته «بسکابادی» در مرحله مقدماتی ۸۱ مسابقه و در مرحله بعد حدود ۲۰ مسابقه در شهریور به پایان خواهد رسید که قهرمان به لیگ دسته ۳ کشور راه می یابد و نائب قهرمان در مسابقات جام حذفی کشور با رقبای خود مسابقه خواهد داد. وی ادامه داد: افزون بر این هشت تیم برتر در رقابت های لیگ برتر استان و بقیه تیم ها در لیگ دسته یک استان با یکدیگر رقابت خواهند کرد.

یادداشت خبرنگار

هنوز خام فروشیم

سال هاست داشته های تک و خاصی از جمله زر شک، زعفران، عناب، زغال سنگ، گرانیت، فرش دست باف و... را نه تنها اغلب ایران آیی بلکه جهان به نام خراسان جنوبی می شناسند و گاهی بر خی برای این که محصولشان را به فروش برسانند با نام محصولات این استان، آن را به بازار عرضه می کنند که در بازارهای پر فروشی مانند مشهد همیشه شاهد این اتفاق هستیم. اما نکته قابل تامل این جاست که طی ۱۷ ساله که از استقلال خراسان جنوبی می گذرد، در حالی که همه مقامات و مسئولان در رده های مختلف کشوری و استانی یکی از راه های دستیابی به توسعه استان را جلوگیری از خام فروشی و فراهم کردن زیر ساخت های بهره وری از آن و بازاریابی این داشته ها اعلام می کنند ولی مشخص نیست چرا شاهد اتفاقی شگرف در این زمینه نیستیم؟ هر چند نباید از حق گذشت چرا که در این سال ها گام هایی برای این اقدام اساسی در استان بر داشته شده اما هنوز تا رسیدن به ایده آل ها و آن چه حق زحمت کشان و تولید کنندگان این محصولات است، فاصله بسیاری وجود دارد.

طی بیش از یک دهه رهبر معظم انقلاب با تعیین شعارهایی اقتصادی، مسئولان راه برونق اقتصادی تشویق و ترغیب کرده اند، در کنار آن هم توصیه های مکرری برای پرهیز از خام فروشی داشته اند تا ارزش افزوده محصولات تولیدی نصیب مناطق و مردم و سرمایه های ویژه مناطقی چون خراسان جنوبی را هگشای توسعه آن شود. طی این سال ها برنامه های کوتاه و بلند مدت بسیاری مطالعه و تدوین شده است و کارشناسان و غیر کارشناسان، راهکارهای مختلفی برای بهره مندی از معدن داشته های کشاورزی، معدنی و مرزی خراسان جنوبی داده اند اما تعداد کمی که شاید به انگشتان دست هم نرسد، عملیاتی شده است بنابراین شاهد چندان جهشی در بهره وری و بهره مندی از ارزش افزوده داشته های مزیت دار استان نبوده ایم بنابراین می توان گفت شاهد هنوز هم خام فروش هشتمین و معلوم نیست تا کی این راه ادامه داشته باشد؟ حال که سال جهش تولید را پشت سر گذاشتیم و به سال تولید، پشتیبانی ها و مانع زدایی ها رسیدیم باید دید که مقامات و مسئولان چه نسخه ای برای تحقق این شعار در حوزه محصولات مزیت دار مانند طلای سرخ (زعفران)، باقوت سرخ (زرشک)، عناب، مواد معدنی و... در خراسان جنوبی می پیچند تا شاید کمی جاده بهره وری و بهره مندی از ارزش افزوده این داشته های ویژه هموارتر شود و چرخ تولید در صنایع و تجزیر و تکمیلی آن به چرخش در آید. پس به انتظار باید نشست و دید چاره مسئولان چیست؟

با خبرنگاران

معدن، برند نهبندان

برند نهبندان، حوزه معدن است بنابراین باید با جذب سرمایه گذار، عملیات اجرایی در معدن به منظور توسعه بیشتر شهرستان افزایش یابد. فرماندار نهبندان در مراسم تکریم و معارفه رئیس جدید اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان اعلام کرد: در پنج سال آینده نهبندان پیشرو در حوزه های اقتصادی مختلف در استان خواهد بود، چرا که حوزه اقتصادی باعث تحرک و پویایی بقیه بخش هاست. «بیکی» از پیگیری و راه اندازی فاز ۲ شهرک کارگاهی نهبندان خبر داد و گفت: تلاش می شود تا واحدهای صنفی جدید مرتبط با نیازهای معادن در شهرستان راه اندازی شود. «جرجانی» رئیس سازمان صمت نیز با اشاره به ظرفیت های معدنی نهبندان، افزود: این شهرستان باید به واحدهای فراوری و واحدهای جدید معدنی تبدیل شود تا افزون بر رونق اقتصاد، شاهد رونق اشتغال و تأمین کالاها ی اساسی نیز باشیم. به گزارش «خراسان جنوبی» در این مراسم از زحمات ۱۴ ساله «رضا دونی» قدردانی و «حمید پرورد» به سمت سرپرست جدید اداره صمت نهبندان معرفی شد.

سرکشی از ۴ روستا

جمعی از مسئولان نهبندان با اهالی روستاهای چاه شولک، گل گزی، چاه کر جو و چاه علی گل ... بخش شوسف دیدار و گفت و گو کردند. به گزارش خراسان جنوبی» در این سرکشی ها فرماندار به همراه هیئت همراه به بررسی مسائل و مشکلات این روستا ها پرداخت و برای رفع برخی موارد با توجه به خشکسالی در منطقه، دستورات لازم را به ادارات مربوط صادر کرد.

قاچاق خاک معدنی مس و روی

مأموران انتظامی طیس در بازرسی از یک کامیون، ۲۰ تن خاک معدنی مس وروی کشف کردند. جانشین فرمانده انتظامی طیس گفت: مأموران انتظامی پاسگاه تپه طاق شهرستان هنگام کنترل خودروهای عبوری این کامیون را برای بررسی بیشتر متوقف کردند. سرهنگ «جواد عباسی» افزود: مأموران در بازرسی از کامیون، ۲۰ تن خاک معدنی مس وروی قاچاق را کشف کردند که بنا بر نظر کارشناسان ارزش ریالی آن یک میلیارد ریال برآورد شد. در این باره متهم به مراجع قضایی معرفی شد.

فرماندار نهبندان: دامداران پا به میدان دام جدید بگذارند

زمینه استقرار در میدان دام جدید نهبندان فراهم شده است و از دامداران انتظار همکاری می رود. فرماندار نهبندان در دیدار با تعدادی از دامداران شهرستان گفت: جابه جایی میدان دام نهبندان با نگاه کارشناسی و باهدف سلامت مردم و نه نفع اقتصادی است.

«بیکی» ادامه داد: مرکز میدان دام جدید شهر نهبندان به منظور اجرایی شدن طرح هاب شتر آماده که در این مرکز کشتارگاه و غرفه های دام سبک و سنگین راه اندازی شده است و برای خرید دام نیز در پرداخت تسهیلات قرض الحسنه مساعدت می شود.

زخم عمیق مخروبه ها روی صورت شهر

ویرانه های رها شده

گوشه گوشه شهر را که نگاه کنی از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، مخروبه هایی هستند که خط و خش بر چهره شهر انداخته اند. تپه های خاکی، خرابه هایی که جای جایش را زباله و نخاله و ... گرفته است. در شهر گشت می زنم، خبر بسیار است. گاهی خرابه ها آن قدر در چشم هستند که گویا گوله توپ و خمپاره به میانشان فرود آمده است. صحنه ها از مخروبه ها در حاشیه برخی خیابان های اصلی کم نیست. در و دیوار های کاهگلی و قدیمی تبدیل به صفحه تبلیغات شده است. آفتاب بهار چندان توانی ندارد ولی نقش و رنگ دیوار ها به نفس نفس افتاده است. تعدادی تپه خاکی در هسته مرکزی شهر خودنمایی می کند. جوانی در میان تپه ها مشغول بازیگوشی است، سعی می کند دور از چشم مردم شهر کبریتی را روشن و آزمایش خود را کامل کند. در آن سوی شهر کافی است پشت به سینما فردوسی رو و به هتل قائم باسیمت تا باقی مانده خانه های تخریب شده را ببینم، از طاقچه های هلالی و گچی تا درختان خشکیده و عریان. در همان خیابان، روبه روی جایگاه سوخت، اتاقکی است با نمای مرمر که شاید پیشتر دکه فروش پلیت بوده ولی امروز در فلزی آن با قفل آویخته شده و پنجره های سه طرف دیگر، همگی فرو ریخته است. درون اتاقک به زباله دان می ماند و دیوار هایش جای نوشتن یادگاری و تبلیغات است.

پل فرز ان و محله ای ویران

جمهوری اسلامی ۲/ ۲۷. پیش رویم مسیری است که از میان خانه ای ویران شده به پشت بام خانه همسایه راه دارد. اگر چه خانه همسایه نیز مخروبه ای بیش نیست که لنگه های درش با حلقه هایی قدیمی زنجیر شده است. در ادامه راه به تپه هایی خاکی در مساحتی ۵۰۰ متری می رسم. تپه هایی که یک سوی آن طاقچه های دود گرفته مطبخ یا آشپزخانه ای تخریب شده و کمی آن طرف تر پارکینگ خودروهاست، البته در سربالایی پوی تپه ای که بر فراز آن، خانه خرابه ای به جا مانده است. در بین این تپه ها، نوجوانی کبریتی را روشن می کند و سیگاری را به دهان می برد، دودی می گیرد و... همگام با خودروها پیش می روم. طاقچه ای را می بینم که چندی پیش با کاشی های گلدار، زینت بخش آشپز خانه خانه ای بوده و امروز صفحه تبلیغات کابینت ساز و ترده کش شده است. حکاکی محرابمانندی را می بینم که امروز جایی برای تبلیغ جلب مشتری ویلا سازی شده است. خرابه های آن سوی خیابان هم دست کمی ندارد. سه نوجوان در زمین خانه ای ویران گرد آمده اند. یکی از آن ها، کارگر بی کار فرمایی است که آجر های چیده شده در طاقچه را به زمین می ریزد. در کوچه، تیر چراغ برق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و مبادا که بادی بیاید و به زمین بیفتد.

روبه روی کوچه ای باریک با دیوار هایی می ایستم که بیشتر کاهگلی است. در یک طرف، دیوار های داخلی خانه ای پیش چشم است که طاقچه های سفید و آبی روشن آن تا نیمه با خاک پُر شده و زباله ها و خاگرویه و چرأ غرق همان طور که کابل سیاه را دست به دست می کند، کمرش خم شده است و م